

اسامی آقایان اعضاء کمیسیون اقتصادی از قرار است که عرض می کنم :

آقای تقی زاده ، صدق السلطنه ، آقای ارباب گنجسرو ، آقای مقوم الملک ، آقای رئیس التجار ، آقای دولت آبادی ، در جلسه آتی به کسری کمیسیون هاهم انشاء الله انتخاب خواهند شد .

(مجلس سی و پنج دقیقه بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای مؤتمن الملک منشی - علی اقبال الممالک منشی - معظم السلطان

جلسه هشتاد و یکم

صورت مشروح مجلس یوم پنجشنبه بیست و یکم عقرب یک هزار و سیصد سه مطابق پانزدهم ربیع الثانی یک هزار و سیصد و چهل و سه

مجلس یک ساعت و نیم قبل از ظهر بریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل گردید صورت مشروح یوم سه شنبه نوزدهم عقرب را آقای میرزا جواد خان قرائت نمودند

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقای سید یعقوب - بنده دو عرض دارم یکی در صورت مجلس است یکی بعد از تصویب صورت مجلس اما آنکه راجع به صورت مجلس است :

آقای مدبر الملک را غایب بی اجازه نوشته اند ایشان مریض هستند اطلاع هم داده بودند حالا بکمیسیون نرسیده است نمیدانم .

رئیس - یادداشت بدهید بکمیسیون فرستاده شود .

آقای غلامحسین میرزا (اجازه)

غلامحسین میرزا - بنده بعد از صورت مجلس عرض دارم

رئیس - گویا در صورت جلسه مخالفی نباشد .

(اظهاری نشد)

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقای سید یعقوب - بنده خیلی مایل بودم حالا که هیئت دولت هم تشریف می آورند متذکر شوم که البته همه ما مستحضر هستیم اتومبیل تازه در تهران جریان پیدا کرده و سابق بر این نداشته است .

و خیلی بموقع است که از طرف بلدیة یا نظمیة برای سیر اتومبیلها در خیابانهای شهر ترتیبی داده شود و این ترتیب فعلی حقیقتاً وحشت آور است .

در ممالک متمدنه و شهرهای بزرگ دنیا اتومبیل به ترتیبی حرکت میکنند که باعث وحشت واضطراب نیست ولی اینجا برعکس طوری حرکت میکنند که اسباب زحمت

مردم را فراهم می آورد

مثل قتلی که بر پرروز واقع شد که خیلی اسباب تأسف و تأثر است .

ویکی از جوانان قابلی که خیلی بعالم مطبوعات خدمت کرده بود به همین واسطه مرحوم شد

همینطور دیگران لهذا خواستم مقام محترم ریاست مجلس و نمایندگان محترم را تذکر بدهم که بدولت یا بتوسط وزارت داخله به نظمیة یا بلدیة تذکر بدهند که از این حرکت متهورانه اتومبیلها جلوگیری بشود که خیلی باعث زحمت مردم را فراهم کرده است

بعضی از نمایندگان - صحیح است

رئیس - آقای غلامحسین میرزا (اجازه)

غلامحسین میرزا - چندی قبل کمیسیون طرف مجلس انتخاب شد برای تجدید نظر در قانون انتخابات ولی هنوز معلوم نیست که اعضاء محترم کمیسیون چه اصلاحاتی را در نظر گرفته اند لذا خواستم از رئیس کمیسیون تقاضا کنم بمرض نمایندگان برسانند که بالاخره برای این قانون چه اصلاحاتی را در نظر گرفته اند

رئیس - آقای شیخ الاسلام (اجازه)

شیخ الاسلام - کمیسیون تجدید نظر در قانون انتخابات کارش را تمام کرده است ولی چون آقای حایری زاده مخیر کمیسیون مسافرت کرده اند و بعضی راپورت ها نزد ایشان مانده است معطل رسیدن آنها هستیم البته پس از رسیدن راپورتها خبر کمیسیون بمجلس تقدیم خواهد شد

رئیس - آقای افشار (اجازه)

آقای افشار - نظر باینکه بودجه کل مملکتی امروز در مجلس مطرح خواهد شد قبل از اینکه وارد در دستور بشویم بنده اشکالی دارم و میخواهم از مخیر محترم کمیسیون بودجه سؤال کنم . . .

رئیس - حالا موقعش نیست . آقای سالار لشکر (اجازه)

سالار لشکر - عرضی ندارم

رئیس - خبر کمیسیون بودجه راجع به بودجه مملکتی مطرح است

وزیر فواید عامه - در چندی قبل لایحه راجع به تمدید مدت لوله نفت تقدیم مجلس شورای ملی شده بود نظر باینکه اخیراً موفقیت حاصل شد که در شرایط آن بهبودی حاصل شود لهذا لایحه اولی را مسترد نموده و لایحه دیگری تقدیم میکنم

رئیس - در ضمن مذاکرات در بودجه آقایان کسری کمیسیونها را انتخاب بفرمائید آقای شیروانی و آقای سید یعقوب باید تشریف

ببرند بیرون

شیروانی - بنده اجازه گرفته بودم برای نطق .

رئیس - شخص سوم هستید

شیروانی - شخص دوم هستم

رئیس - در موقعش اطلاع داده میشود

انتخاباتی که باید بشود کمیسیون داخله دو نفر کمیسیون معارف یک نفر کمیسیون نظام یک نفر کمیسیون عدلیه یک نفر این مرتبه سوم است که انتخاب میشود کمیسیون نفت سه نفر و دهمه دومش خواهد بود .

آقای ضیاء الواعظین (اجازه)

ضیاء الواعظین - راجع رت کمیسیون محترم بودجه راجع بودجه مملکتی مطرح است

قبلاً ضرور است که عرض کنم بودجه یعنی چه ؟ بودجه عبارت است از جمع و خرج

از عایدات و مخارج

یک ستون عایدی یک ستون مخارج بودجه یک مملکت عبارت است از جمع کردن عوائد معین و خرج کردن آن عوائد در مصرف مائی که برای صلاح و صرفه و آبادی مملکت لازم است

پنج قلم ده قلم صد قلم کمتر یا بیشتر در ستون عایدات جمع میشود آنوقت وزارتخانه ها و ادارات دولتی مملکت صرف آبادی و ترفی مملکت میکنند

بودجه تقدیم مجلس شورای ملی میشود برای اینکه نمایندگان ملت خوب دقت کنند که عایدات از چه مجلی تحصیل میشود و این عایدات که تحصیل میشود از مردم گرفته میشود

بنده تصور می کنم قبل هر چیز لازم است مجلس بنظارت تامه خودش را در ستون عایدات را مراعات کند که از کجا جمع میشود و از چه مجلی بخزانه دولت تسلیم میشود

و این عایدات در قسمت اول بودجه نوشته میشود تا مردم بخوانند و ببینند که فلان قلم و فلان قلم تسلیم خزانه شده بعد در قسمت دومش مخارج نوشته میشود تا از آن هم مستحضر شوند

این اولین وظیفه مهم مجلس ایران و سایر پارلمانهای دنیا است که نظارت تامه در جمع و خرج مملکت داشته باشند که عوائد از چه مجلی تحصیل شود که اسباب ضعف ملت

اسباب ضعف یک طبقه از مردم فراهم نباید

و در مجلی خرج شود که درست صرف اصلاحات و آبادی مملکت بشود

این وظیفه مهم مجلس شورای ملی است

یعنی وقتی که دولت یک صورتی تقدیم مجلس میکند که فلان قدر عایدی از فلان محل

فلان مبلغ از فلان محل

مجلس باید نگاه کند و ببیند که این مجلی را که دولت از آن عایدی تحصیل می کند اسباب ضعف مردم

اسباب بی چیزی مردم

اسباب فقر و فلاکت مردم میشود یا نه

و آیا این مالیات از عموم افراد بطور تساوی اخذ میشود یا نمیشود و باید مجلس که نمایندگان ملت در آنجا جمع میشوند نظر نمایند و ببینند هر چه گرفته میشود از یک طبقه بخصوص است یا از عموم است نه اینکه یک طبقه و یک قسمت از مردم این مملکت تمام مالیات را بدهند

عایدات مستقیم را یک طبقه بخصوص بدهند

همان طبقه عایدات غیر مستقیم بدهند

همان طبقه خانواری بدهند

همینطور سایر قسمتهای دیگر رازوی دوش یک قسمت و یک دسته از مردم بگذارند این غلط است

مجلس باید نگاه کند و ببیند که در این صورت اسباب ضعف مردم اسباب فقر و فلاکت یک دسته از مردم فراهم می آید

انسان وقتی که یک عضو عمده بدنش ضعیف شده از حرکت باز میماند

ملت هم که پر می کند خزانه دولت را ملت که مصارف دولت را بعهده بگیرد و میرساند باید همانطور که امروز مالیات بخزانه دولت می دهد

عایدی بدولت میرساند فراهم بدهد

فردا هم باید زنده بماند

باید حال داشته باشد تا بتواند عایدی تحصیل کند و بدولت بدهد

نه اینکه یک طبقه دیروز یک خانه داشته اند خانه شان در نتیجه فشار زیاد بناشد از دستشان برود و مالیات بدهند

بسیار خوب . خانه را از کف دادند و رفتند بیک خانه گریه یک مال هم داشتند مالشان را بردند بوته آوردند دم دروازه یکجا مالیات بار بدهند یکجا مالیات الاغ بدهند و اقسام مختلف دیگر مالیات (که برای آقایان نمایندگان محترم شرح میدهم)

و نتی که آمد بخانه اش چیزی ندارد که برای خودش اندوخته کند آنوقت شما متوقع پرداخت مالیات هم هستید دیگر چیزی برایش باقی نمانده موقع پرداخت مالیات هم بایستی مالش را بفروشد و مالیات بدهد

فقط برایش می ماند یک طناب و یک تیر .

این تیر را میبرد صغرا و چهارمین بوته میکند که بفروشد و زندگی کند مالیات هم بدهد بسیار خوب

امسال هم توانست این بونه را بیاورد
بشهر و بفروشد فرادچه کند؟
پس باید مجلس شورای ملی آنقدر
مراقبت کند که طاب این آدم، ازه این
آدم، تیشه این آدم اقلا محفوظ بماند تا
بتوانند زنگی کند.
همانطور که ما امروز بودجه مان را
تأمین کردیم فردا هم باید تأمین شود
همانطور هم باید در نظر بگیریم که سال
دیگر دوسال دیگر، صدسال دیگر هزار
ها سال دیگر خدا بخواهد بایستی با بدعلم
این مملکت بوزد
ملت هم زنده باشد پول بدهد دولت
خرج کند و اسباب آبادی مملکت را فراهم
بیاورد.
اینجا قلم اول عایدی درستون هایمات
نوشته شده.
مالیات مستقیم نقد سه میلیون و هفتصد
و بیست و پنج هزار تومان.
یک قسمت از این مبلغ را از وزارت معین
و مالکین و قسمت دیگرش را از اصناف می
گیرند که حالا مطابق لایحه که خود دولت
تقدیم مجلس شورای ملی کرده است شرح
میدهم و این لایحه را جلوی چشم میگذاریم
و قلم بقلم عرض میکنم
مجلس شورای ملی وقتیکه ستون
مالیات مستقیم را تصویب میکند و موقعیکه
باین فقره رأی گرفته میشود همه بر میخیزند
و رأی میدهند معنایش تصویب این قسم
مالیات است.
دوسه روز قبل یادم میآید بکسی از
نمایندگان معترم قدری وزارت مالیه را
در تحت فشار خودش قرار داده بود می
گفت:
وزارت مالیه یعنی اداره چنگیزی و
ببینید این اداره چنگیزی ب مردم چه
می کند.
ولی قانون اساسی مجلس شورای ملی
بیک نماینده حق میدهد که هر وزارتخانه
که ب مردم اذیت میکند آن وزارتخانه را
تحت سؤال و استیضاح در آورد وزارتخانه
هم جواب میدهد
آن چیزی را که شما دست من می
دهید من موافق آن میگیرم شما یک
قانونی تصویب میکنید و من میدهم منم
باید اجرا کنم و اگر از همه وصول و ایصال
مالیات بر نیامد که شما در وزارتخانه را
می بینید.
درستون اول هایمات تصویب می
کنید فلان قدر مالیات مستقیم و منم باید
آنها وصول کنم اول ب مردم اظهار میکنم
که فلان وقت بیا باید مالیات بدهید اگر
ندادند ما مور میفرستیم باز اگر ندادند به
نظامی محل میگویم بگیرد و اگر ندادند
بفرمایش یکی از نمایندگان کاه دود در
خانه اش بر میاشود.
پس من باید این را وصول کنم اگر
نیوانستم بگیرم آخر سال کسر بودجه

پیدا میشود و آنوقت يك لایحه بالا بندی
میآید روی این تریبون برای فرض.
خیلی خوب شما تصویب میکنید مالیات
مستقیم فلان قدر مالیات مستقیم چندین قلم
است که مستقیماً از مردمان فقیر و بی بضاعت
و بی چیز گرفته میشود
حالا من در این قسمت وارد نمیشوم که
فرمایشات نماینده معترم را که در موضوع
لایحه مالیات تصاعدی میفرمودند تعقیب
کنم و جلوی چشم بگذارم.
خبر وارد در آن قسمت نمیشوم که تصدیق
کنم یا تکذیب کنم که مالیات راهم میدهند
یا يك قسمت از مردم بسیار خوب بنده تصدیق
میکنم که مالیات مستقیم را غنی میدهند فقیر
هم میدهند و همانطور که از فلان قوی مالیات
میگیرند از فلان ضعیف هم میگیرند اگر
ضعیف نداد حبسش میکنند نظامی در
خانه اش سر نیزه میکند و میگیرد اگر
قوی هم نداد در خانه اش کاه دود میکند
و بسیار خوب.
این را تصدیق میکنم که از همه بطور
مساوات گرفته میشود ولی وقتی که ما مالیات
اصناف را جلوی چشم مان میگذاریم می بینیم
يك محل معینی که از این رفته در هر ایالت
و ولایت هنوز مالیاتش را میگیرند.
بنده واقعا اجازه میخواهم عرض کنم
وزارت مالیه کناه ندارد.
وقتی يك ستون عایدی بدستش میدهد
میگوید از هر راه که میدانی این پول را
تحویل بگیر و میگوید آقایان من اداره
چنگیزی نیستم.
یا سانی چنگیزی این قانون بودجه است
که شما بدست من میدهد قانون بودجه
یاسای چنگیزی.
من هم نوگرو مطیع هستم. میروم
مطابق این یاسا از مردم میگیرم اول مالیات
اصناف.
قلم اولش صنف بزاز است موضوع
صنف بزاز را اگر بخواهم شرح بدهم که
از بزازه های قدیم یا بزازه های حاله حالشان
در برابر چشم وزارت مالیه چطور است
اطلاع درستی از این قسمت ندارم و عرض
نمیکنم.
قلم دوم مالیات علائق است همه
میدانند که در قدیم يك صنف سرمایه دار
يك صنف با آبرو با سرمایه که در ایران
بود علاقه بند بود که در کاشان. یزد.
کerman گاهی هم در شیراز کارخانه های
ابریشم سازی داشته و علاقه بنده ابریشم
تهیه میکردند و آنوقت هم مردم چشمشان
باین چرخها و ریسمنهای فرنگی نیفتاده
بود.
میرفتند ابریشمها را می گرفتند و لباس
میدوختند.
درست هم یادم میآید که لباس دهاتها
که از برایشان تهیه میشد خیلی لباس
قشنگی بود که چندین راه با ابریشم دوخته
یاسای چنگیزی این قانون بودجه

شده بود.
خلاصه علاقه بندی يك صنف بسیار
خوبی برد مرحوم کریم خان يك بازاری در
شیراز ساخته است که قسمت عمده اش بازار
علاقه بندها است شاید آقایانی که از شیراز
آمده باشند بدانند که هنوز هم معروف به
بازار علائق بندها است.
دست غیب - صحیح است
ضیاءالواعظین - يك صنف مهمی
بودند ولی امروز این صنف بکلی از بین
رفته اند.
حضرت آقای حاجی دست غیب تصدیق
کردند که گویا بازار علاقه بندهای شیراز
یادشان است ولی امروز آن بازار بر شده
است از دکان کوزه فروشی. یاره دوزی.
پنبه دوزی. نعلبندی. يك صنف دیگری
هم در شیراز هست که اسمش نظرم نیست
پوشال درست میکنند این جا نمیدانم هست
یا نیست.
این بازار بر شده است از این دکانها
و علاقه بندها بکلی از بین رفته و بی بضاعت
شده اند يك مالیاتی از صنف علاقه بند
گرفته میشود و بجز جمع آمده و می گرفته اند.
حالا هم همانطور گرفته میشود. از کی
میگیرند آنها که از بین رفته اند.
از يك بیچاره که در جام میدان روی يك
سکوئی نشسته و يك توب سنجاق و يك خورده
ریسمان و چهار پنج قلم چیزهای عجیب و
غریب بدو وارد آویزان کرده است تمام این
مالیاتی که در این شهر از علاقه بند گرفته
میشود درست تقسیم شده بین همین سه چهار تا
دکان پهلوی جام میدان و عودلاجان یا در
شیراز پهلوی محله قصابخانه که سابقا بریشم
درست میکردند یا جاهای دیگر که چهار تا
دکان هست. تمام را از این ها
میگیرند بازار آن بدبخت بیچاره که يك توب
سوزن و سنجاق دارد و دوره میگرد و دود صدا
میکند سوزن و سنجاق.
امروز تمام این مالیات از اینها گرفته
میشود.
این بیچاره ضعیف شده و سر مایه اش
از بین رفته مالیات دولت راهم باید بدهند
اگر هم ندارند مالیه میفرستد دم خانه اش
میگوید آقایان مالیات را بده. اگر داد
خیلی خوب.
اگر ندارد در قه دوم يك مأمور خوش
اخلاق بپرداری می رود مطالبه می کند
دفعه سوم میبرندش به نظمی که باید این
مالیات را بدهی والا حبس میشود آنوقت
زن این بیچاره مادر و فرزند این بیچاره
بدبخت میآیند در خانه فلان نماینده بی
اختیار دارد و بی داد و گریه میکنند
نمایند هم پیش میسوزد میآید بدبخت تریبون
میگوید اداره چنگیزی.
(یعنی وزارت مالیه)
فلان طور کرده. من میگویم غیر
وزارت مالیه اداره چنگیزی نیست.
یاسای چنگیزی این قانون بودجه

ایست که شما بدست وزارت مالیه میدهند
يك قسمت دیگر سمسار است که در این
شهر يك صنف آباد و مرمور و سرمایه دار
و با آبرو بود که حالا از يك رفته و فقیری
بضاعت شد اند.
صنف دیگر مسگر است که در ایران
يك صنف مهمی بوده چون آنوقت ظروف
تنی و بلور نبود و مردم چیزدار و نشان
همه از مس بوده و بازار مسگری کاشان
در افسانه ها صدایش خیلی راه میرفت.
مسگر خیلی صنف مهمی بوده است
و خیلی هم آباد و با آبرو بوده اند و مس را
از خاک خودشان بیرون میآوردند و ظرف
میساختند و می فروختند.
مالیات هم میدادند ولی امروز اگر
شما خانه بنده ببینید هر کاهه طرف مس
جلویشان بگذارم رویشان را بر میگردد.
در خانه فلان غنی هم که بروید اگر درست
نگاه کنید دو تا ظرف مس گیر نمیآید مگر
دوتا دیگی چیزی و تماش چینی و بلور
است در خانه بنده هم اگر ببینید و ظرف
مس جلویشان بگذارم يك نگاه غریب عجیبی
بآن می کنید.
بکلی مس از بین رفته است.
آنوقت چه چیز از این صنف باقی مانده
باقی مانده چهار تا بیچاره که يك کوله بار
مس روی دوششان هست و در محلات شهر
و دهات و ولایات میروند و صدا میکنند
سفید گر.
آنوقت فلان پیر مزن ۳ شاهی چهار
شاهی میدهد کاسه اش را سفید کنند بعد يك
مالیات سنگینی یعنی همان مالیاتی که از
صنف مهم می گرفتند آنرا از این چهار تا
سفید گر بیچاره میگیرند.
بسیار خوب این سفید گر امسال
توانست يك قدری از ظرفش را بفروشد
و مالیات بدهد سال دیگر هم کسبیون
بودجه تصویب کرد.
یعنی درستون عایدت رأی داد و کلاه
هم تصویب کردند و دادند دست وزیر مالیه
او هم رفت از مسگر بگیرد.
آن بیچاره که دیگر چیزی ندارد
باید کلاهش را بفروشد فرادچه بگذارد
باید به نشیند سر کوجه و کدانی اداره بلدی
هم یکی از افتخارات مهمش که حقیقه قابل
تقدیر هم هست این است که يك دارالمعز
درست کرده
بسیار خوب. این بیچاره می رود
دارالمعز.
وکیل هم حق دارد نان برایش درست
کند.
مردم هم حق دارند برایشان درست
کنند. باینکه این شخص بدبخت مریض
شد آنوقت چه بکنند؟ نمیدانم آقایان از
کنار این خیابان نظامیه عبور کرده اند که
يك بیچاره سر تاپاش زخم شده و روی
شک افتاده است اگر از این بیچاره تعجبی

کنید اول سفید گر بوده است حالا بیچاره
مریض شده و همه چیزش از صنف رفته
دارالمعز همه او را نمی پذیرند و این بدبخت
باین حال فلاکت در خیابان افتاده است.
این آدمیکه از کف رفت
این آدمیکه بی چیز شد.
فکر کنید این یک نفر چه لطمه بنفوس
مملکت تا صدسال دیگر میزند. بکنفر آدم.
بکزن.
فکر کنید امروز برای مملکت یکی
است. صدسال بعد اگر خوب توجهش
کنید. آب بلدیهاش را درست کنید.
هوای خانه اش را خوب کنید. زندگانش
را مرتب کنید
ده میلیون نفوس میشود بشرط اینکه
اسباب کارش را درست کنید.
اگر بیست و چهار ساعت دوازده ساعت
کار نکند. هشت ساعت منظم کار
کند.
يك تنگه نان هم داشته باشد پهلوی
عیالش ب راحت زندگانی نماید بعد از ده
سال.
صدسال این يك آدم ده میلیون است.
آنوقت ده میلیون برای يك مملکتی
اسباب عظمت و آبادی آن مملکت است.
امروز که آن یک نفر از کف رفت مثل این
است که ۱۰ سال بعد ده میلیون نفوس از
بین رفته است.
آنوقت این یاسای چنگیزی را میگذارند
جلوی ما تصویب میکنند.
بعد از مسگر میگذاریم میرسیم بنده
مال يك صنف بزرگی بوده (هیچ ضرری
هم ندارد يك روز برای این موضوع صحبت
کنیم) این نمدمال سابق چه بوده؟ کلاه.
فروش در هر خانه که میرفتند فرش نمدهفت لا
شش لا چهار لا دولا. فروش نمدهم همه
چیزش نمدهم. عیای های نمدهم.
نازک که واقعا انسان میتوانست ببوشد
هنوز هم در تبریز و اصطهبانات شیراز درست
میکند.
جابه های نمدهم بسیار صحیح درست میکردند
که واقعا از عبا های امروز خیلی بهتر بود.
بهر صورت يك صنف مهمی بوده و مالیات
هم میداده است.
امروز از بین رفته است. يك صنف
مهم نمدمالی هم در داوند بوده که از کف
رفته. امروز منتها چهار پنج تا کلامه دار
تمام شهر پیدا کنند مالیات نمدمالها که از
کف رفته اند انداخته اند روی کلاه مال.
مالیات خودش کم بوده است این راهم روی
آن انداخته اند.
مجلس هم باید تصویب کند.
تصویب هم نکنیم. بسیار خوب
میگویند عایدی نداریم. مخارج هم هست.
باید فرض کنیم. يك قسمت دیگر آهنگر
امروز دنیا دنیای آهن است.
امروز که سعادت هر ملتی روی آهن

گذارده شده.
هر ملتی که آهن یاره بیشتر داشته باشد.
هر ملتی که آهنگر بیشتر داشته باشد سعادت
آن ملت زیادتر است.
امروز ما نگاه میکنیم میبینیم صنف
آهنگر بکلی از کف رفته و يك چند تائی
باقی مانده آهنم بجای بیل و داس و چکش با
آن بازار خرابیکه اینجا دارند.
بلدی هم هیچ نگاه بازار آهنگرها
نمیکند که يك دود کش درست میروند. از من از
آنطرف رفته ام خوب یادم است. دود ذغال
سنگ و دودهای دیگر بقدری در آن بازار
پیچیده که هر آهنگری را که نگاه کنید
میبینید مسلول بیچاره. بدبخت. آنجا افتاد.
هر سال هم که میشود میروند میگویند بیاید
استاد آمده چه خبر است؟
مالیات میخواهند اگر ندهید اسباب
زحمت است.
آنها هم در برب کانا را میبندند میروند
در خانه فلان نماینده بست مینشینند. این
عاقبتش است. يك صنف دیگر که يك قلم
درشتی دارد صنف چلنگر. همینکه قفل
درست میکند.
آقای طهرانی هم بگروری راجع
بقانون علامت صنعتی بود که راجع بقفل ساز
و چاقو ساز يك شرح مفصلی اظهار کردند.
بنده هم با همان شرح و بیان آقای طهرانی
عرض میکنم.
يك صنفی که قفل و چاقو درست میکنند.
يك دسته کلید پنج منی روی شاه اش گذارده
است دوساعت بعد از ظهر شما از مجلس
فراغت حاصل میکنید و میخواهید بروید
خانه توی آفتاب یا سرما و باران صدا
میکند کلید درست میکنم.
آنوقت سر سال مأمور وزارت مالیه
بالای سرش ایستاده است که بیا پول بده
دسته کلید را باید ببرد بسقا خانه با مزاده
تمام را ببندد و خودش هم بست بنشیند. این
هم از کف رفته چکار کنیم؟ وزارت مالیه
چکار میکند؟
اینجا صد و پنجاه و شش تومانش کم
آمده باید جای این را درست کرد. خوب
ببینیم از فامیل قفل چه چیز میتوانیم پیدا
کنیم.
از فامیل قفل نعل است.
از فامیل قفل آهن یاره است
آنوقت يك مالیات نعلبندی که داشتند يك
مالیات نعلگری هم در اینجا نوشته شده اند
یعنی وقتی دیدند صنف قفل ساز از بین رفت
ولازم شد که برای این صدهفتاد و پنج
تومان مجل پیدا کنند. چه کنیم؟ می بینیم؟
از فامیل نعل میشود چیز دیگر درست کرد
یعنی بجای (گر) (بر) میگذارند و مالیات
نعلبری هم درست میکنند.
این هم شد يك صنف دیگر که مالیاتش
را باید بپردازد.

آنوقت شما نگاه میکنید می بینید
يكجا نوشته نعلبند. يكجا نوشته نعلبر.
يكجا نوشته نعلگر
اینقا نوشتن جلوی تان نگاه کنید بنده
هم اگر آقایان خسته شده اند معذرت
میخواهم)
بعد از مالیات قفل مالیات نعل چیکر است
امروز که خیلی سعی میکنند نعل حکم روسی
باشد.
در يك همچو موسیقی روی نعل چیکر يك
مالیات سنگین معین کرده اند.
کلاه دوز آهنم نه آنکه در خیابانست
و حضرتعالی تشریف ببرید کلاه میخرد
آن کلاه دوزهای قدیم که حالا نمونه اش
توی آن بازار پهلوی میدان کاه فروشها
است که از آن هر قچینه های قدیمی درست
می کردند.
الان این کربلائی برادر من که
در خیابان لاله زار تشریف دارند و حضرت
هالی تشریف میبرید پیش او و يك کلاه
میخرد پانزده قران، دو تومان، يك
تومان.
نمیدانم مالیات میدهد یا نه؟ ولی آن
بیچاره که عرقچین درست میکند آن
مالیاتی که در بودجه صدسال قبل میداد حالا
هم باید بدهد.
همینطور هم میپردازد، ندهد مالیه
چنگیزی ازش میگیرد.
امروز وزیر مالیه باید واقعا خیلی معنون
باشد اینهم کلاه دوز.
بعد زرگر
زرگر هم آنهایشان کطلا و نقره
و جواهرات دارند و امیدواریم داشته باشند
مالیات بدهند.
دیگر خیاط.
باز هم همان خیاطهای قدیم که قبای
توی صنف يك رویه و اسلوب و
ترتیباتی است که روی آن عمل میکنند
من حالا هم نمیگویم که باید از آن
خیاط لاله زاری بگیرد.
خیر اگر بناست گرفته شود باید از
همه بطور تساوی بگیرند و اگر مجلس
تصویب کرد باید با همان کسیکه هر قچین
میدوزد عملی اتساوی بدهند.
چاقو ساز، سراج، امروز که يك
سراج در تمام طهران نیست.
امیر احتشام - خیلی هست.
ضیاءالواعظین - زین را از فرنگ
می آرند.
دهه را از فرنگ میآوردند. کیف
دوی میز ما را از فرنگ میآوردند
کیف دستی. کیف جیب. کیف
توی بغلتان را از فرنگستان میآوردند هر چه
راجع بر سراجی است از فرنگستان
می آرند.

خدا عمر با فای ارباب بدهد که
رفته اند يك دکان سراجی پیدا کرده اند
که از این کیفهای اینجا درست میکنند
خریده اند پهلوی اوراق سفید و سیاه
گذارده اند والا بنده و شما وقتی بازار
میرویم میگردیم کیف فرنگی پیدا
کنیم.
حالا آمدیم روی شیرینی سازی چند
قسم مالیات از شیرینی ساز میگیرند.
کلوچه پز، مالیات کماچ پز، مالیات
حلوا پز، مالیات قناد هم بعد همینطور می
رسد آهنم باید مالیات بدهد
حلوا پز می بینید در فلان محله یکی
هست که شیره و حلوا درست میکند مرتبا
باید مالیاتش را بدهد
ولی راجع به مالیات تصاعدی آن يك
موضوع دیگر است اسمش را هم نمیشود
آورد.
اما مالیات کفش دوز نگاه کنید اینجا
نوشته:
کفش دوز. آنجا نوشته: ساغری ساز
از او هم يك مالیات میگیرند که در قدیم
بوده و حالا نیست.
در ایالات و ولایات هم شاید دو تا
سه باشد آهنم برای زندهای دهاتی بی
چاره تمام مالیاتی را که از شان گرفته میشود
میگیرند. چقدر؟ یا نصف تومان.
در طهران که نیست (شاید در شیراز
و یزد و کرمان چند نفری باشند)
آنوقت این مالیات را از این چهار تا
پنج تا میگیرند.
اسمش هم مسا مالیات مستقیم است و
دستشانت می آرند اینجا و کسبیون
بودجه هم تصویب میکنند.
اینجا هم میگیرند.
صحيح است، مالیات صباغ
مالیات رزاز.
مالیات صنف آش پز
يكطرف چرم دوز (همینطور میخوانم)
کوزه فروش.
مالیات صنف کوزه گر.
حصار، آجیل فروش، مالیات بلور
فروشی.
مالیات بالاندوز.
مالیات جوراب باف
مالیات حلوائی و شیردیز بازیکی
مالیات حلاج
از حلاج هم مالیات میگیرند، مالیات
چین ساز.....
یک نفر از نمایندگان - خوانده آید
ضیاءالواعظین - بلی خوانده ام باز
هم میخوانم نذر کرده ام بخوانم
مالیات شالیاف اما کدام شال؟ بنده
تحقیق کردم شاهانی که برای پالان و
غیره لازم می شود از آن قسم يك مالیات
مخصوصی گرفته میشود که در سال باید
بدهند.

مالیات روفاف که نفهمدم چیست
مالیات ریمان باف
اصلا ریمان باف در طهران و ایالات
وولایات نیست
مالیات دوشاب ساز
مالیات فخرار
آنجا کوزه فروش بود اینجا
فخرار
مالیات گیوه فروش
مالیات مکاری
مثلا در بهجهان و سیوند یا فلانجا سابقاً
یک مکاری بود که دوتا فاطر داشت با
آنها بار بر میداشت از شیراز باصفهان و
بار خراسان را هم می بستند و زیارت هم
می کردند
بسیار خوب. عایدی زیاد داشتند
مالیاتی هم از آنها گرفته میشد
حالا بکلی از کف رفته اند و باید
از پنج شش تا این مالیات وصول شود
مالیات موتاب مالیات سنگینی است چون
اینجا کاملاً ثبت میشود عرض میکنم
مالیات نقاش، مالیات آینه ساز -
(خطاب آقای سالار لشکر) نمیدانم این
طور اظهار تعجبی که میکنید از چه نظر
است ؟
مالیات اطو کش مالیات آرد فروش
مالیات باغبانی
مالیات باروت کوب، بناه، خشت مال
بنکدار، پاره دوز، پینه دوز، تنخه فروش
تره بارچی که سبب یا گللابی یا فلان میوه بار
می کند
یک جا مالیات باغستان را میدهد یک
جا مالیات باغبانی. یک جا هم
تره بار چی
مالیات توتون فروش، زارع،
آسیابان، دباغ، چرم ساز
مالیات دواتگر، مالیات صابون یز،
مالیات علاف، مالیات قناد هم بطور ۴۸۵
قلم است
قهوه چی، کلامه مال، کبابی، قصاب
شمشیرگر، گاو کش، نساج، زغال فروش
تا اینجا آمده است آخرش نعلبر
قسمت صد وسی و نه مالیات نعلبر،
دهنه گر میخبر، آجر یز، چینی بندزن
ساعت ساز، طایفه نیایکی
اینهم یک مالیاتی است اگر من نماینده
مازندران بودم میدانستم مالیات نیایکی چه
چیز است
خدا قسم کند انسان یک
سفر کند باز نذران صد هزار قسم مالیات
آنجا هست مالیات نیایکی هم راجع
بمازندرانست
مالیات شکر فرمز با اینکه باید
مساهدت و تشویق بشود و مالیات ازشان نگیرند
و این شکر را ترویج بکنند و خریدار شکر
زیاد بشود با آنها مالیات بسته اند و خیلی
هم زیاد است و در مازندران هست، مالیات

مقنی، این قسمت اولش مالیات مستقیم بود
که وزارت مالیه یعنی همان اداره چنگیزی
دلش سوخته اینها رادسته کرده آورده
تقدیم مجلس کرده میگویی مجلس -
شورای ملی
شما باینکه یک محل خوبی معین کنند
تا اینها را با سایر نیزه از مردم نگیریم
آنوقت یک قسمت دیگر عایدات از
مالیات خالصجات است
آقایانی که ملک دارند (که خدا مالکشانرا
زیاد کند) و آقایانی که زراعت دارند بهتر
میدانند که هر قدر بیشتر سرکشی بخالصجات
بشود
هر قدر بیشتر پول صرف زمینش،
صرف گاوش، صرف زراعتش بشود بهتر
میتواند از آنجا عایدات بردارند. مالیات
خانواری؛ چند روز قبل از این آقای یاسائی
یک لایحه تهیه کرده بودند که این مالیات
خانواری از بین برود بنده هم با کمال
افتخار امضاء کردم
مالیات خانواری یعنی چه؟ الان آقای
وزیر مالیه و معاون محترم مالیه اینجان شریف
دارند سایر آقایان وزراء هم تشریف دارند
بفرمائید مالیات خانواری یعنی یک جا
مالیات زراعتش را میگیریم
یک جا مالیات باغش را میگیریم، مالیات
باغبانیش را میگیریم
مالیات تره بارچی را میگیریم مالیات
میداننش را میگیریم مالیات میوه اشرا
میگیریم. مالیات خانواری هم باید بدهد
این مالیات سابقاً معمول بوده است که
سرباز از دیه می گرفتند حالا هم آن پولی
که از آن ده بابت آن سرباز می گرفتند
مالیات شده
چقدر؟ هفتاد هزار تومان
زعیم- این تقدش است
ضیاءالواعظین - بلی، هفتاد هزار
تومان نقد، جنس هم علی حده است
یکی دیه که یک وقت سرباز میداده
است برای این سرباز ها آذوقه لازم
بوده است
یک چیزی از آن دبه گرفته میشد
حالا مالیات خانواری شده. بعد می آید
مالیات غیر مستقیم
مالیات غیر مستقیم هم همان شرحیست
که وزارت مالیه تقدیم مجلس کرده است
که مجلس جایش را معین کند و این مالیات
لغو شود
این هم یک مالیات سنگینی است -
مالیات غیر مستقیم، مالیات حراج، نمایش
قیان، شما کی دلالی، تریاک، دلالی
مال التجاره، سوق الاداب، کلکرائی،
سوختی و تره بار، تره بار هم در مالیات
مستقیم است و هم در غیر مستقیم
مالیات زغال، زغال در مستقیم یکجا
علاف یک جا، زغال قشروش یک جا
آنوقت در غیر مستقیم هم یکجا مالیات
زغال هست

مالیات خانان: من خواستم تحقیق کنم
از اعضاء وزارت مالیه که مالیات خانان
یعنی چه
اگر بگوئیم لفظ عربیست آنوقت
خان یعنی کاروانسرا و خانان یعنی کاروانسرا
ها، این چه مالیاتی است؟
غلامحسین میرزا - میلنش چقدر
است ؟
رئیس- (خطاب بلامحسین میرزا)
بگذارید حرفشانرا بزنند
ضیاءالواعظین- مالیات عشورنی ریز،
اسمش هم عشور است و گمرک نیست
برای اینکه نگویند در داخله نیاید
گمرک گرفته شود ولی با اسم عشور برین
وتریاک و مغز بادام یک مالیاتی بسته اند و این
مالیات هم بطور گرفته میشود، مالیات
اجازه تجارت، خیلی مهمست فلان آدم
میخواهد تجارت کند، رسمت در ولایات
بیاورد بقم باید یک مالیات بدهد
مالیات سرب و باروت، در مستقیم یکجا هم
در غیر مستقیم هم یکجا
مالیات داغ کفش این را شاید آقایان
ندانند یعنی چه، من زحمت کشیدم تا فهمیدم
مالیات داغ کفش اینست که مثلاً یک پیره
زن دهاتی می آید کفشی میخرد سه قران و
میاورد در میدان چهار تاجیخ بزند که
بیایش بنده شود پول این میخ سه یا چهار
شاهی نیست ولی سی شاهی باید مالیات
داغ کفش بدهد سه قران پول کفش،
پنج شاهی میخ، آنوقت سی شاهی پول
داغ !
تدین - این عمل در کجا میشود؟
ضیاءالواعظین - این عمل در مازندران
و یزد و جنوب معمولست
تدین - از بین رفته است
ضیاءالواعظین - خبر از بین رفته است
و اگر از بین رفته بود وزارت مالیه این
صورتاً تقدیم مجلس نمیگردد
پس معلوم میشود وزارت مالیه شوخی
کرده است! دیگر مالیات فوا که در ضمن
مالیات مستقیم مالیات میوه و تره بار و باغ
و باغستان و تا کستان ذکر شده است ولی
باز هم در ضمن مالیات غیر مستقیم آمده
اسمش را بر گردانند و گفتند می آیم اسم
میوه را میگذارم فوا که در پیش میکنیم
مثلاً فلان صنف که از بین رفته است مالیات
آنها آورده اند و با اسم فوا که معین
کردند
مالیات ماشین بنه، مثلاً در هر شهری
چهار تا ماشین بنه بوده است مالیات میداده
حالا ماشین بنه چه صورتی پیدا کرده
در آنجا ها میگوید چون مجلس گفته
است، این مالیات باید بدهی و سرنیزه را
میگذارم جای آن چرخ و میگوید پول
بده مالیات مردار کش، مالیات شش کش،
مالیات کفش، باج نمک، مالیات مازو
نکرده است

(خنده حضار)
بعضی از نمایندگان - کمیسیون بودجه
چه مربوط است
ضیاءالواعظین - یک قسمت دیگر
عایدات متفرقه است، این عایدات
متفرقه در بودجه در بست
بودجه چهار دیواری و زبان عربی
بودجه انما یعنی دیگر حرف زانزید
و اینست و جز این نیست
یک بودجه چهار دیواری آورده اند
و در آن نوشته است عایدات متفرقه چهل
هزار تومان -
این را دیگر من نمیدانم یعنی چه
برای اینکه نگاه با سمان میکنیم
میبینیم از درختش مالیات میگیرند نگاه
بزمن میکنیم می بینیم از خاک و ازداغ
کفش مالیات گرفته اند بازم در اینجا
نوشته است عایدات متفرقه بهل هزار تومان؟
یکی دیگر نیم عشر اوقاف بعد می آیم
در قسمت دوم وزارت مالیه چقدر جنس
دارد؟
دو میلیون و پانصد و نود پنج هزار و
نهصد و هشتاد پنج تومان
وقتی با ملاک خالصه نگاه میکنیم میبینیم
املاک آباد و مرغوبست
چرا مرغوب و آباد است ؟
برای اینست که ملکی که خالصه شده
است از آباد ترین املاک ایران بوده است
در مازندران هر ملک آبادی خاصه است،
در اطراف فارس هر ده آبادی و هر
دهی که چشمه آبش خوبست آنجا خالصه
است
املاک آباد و مرغوب، زمین قابل زراعت
رودخانه ها و قنات های جمشیدی در شیراز هنوز
هست و معروفست بجمشیدی که املاک آنجا
خالصه است
همینطور املاک خالصه در مازندران و
گیلان و در سایر نقاط - فقط شنیده ام همان
خالصجات کم دارد آنوقت وزارت مالیه
عایدات املاک خالصه را بر آورد کرده است
پدومیلیون و پانصد و نود و پنج هزار و نهصد
و هشتاد و پنج تومان -
بعضی از نمایندگان - اینطور
نیست
ضیاءالواعظین - یک چیزی است
که اینجا نوشته اند باید خالصجات ایران
دو میلیون و اینقدر تومان
یک نفر از نمایندگان - این قسمت
مالیات جنسی است، عایدات خالصه در قسمت
اول است
ضیاءالواعظین - بیخشید اشتباه
شده
رئیس (خطاب ب ضیاءالواعظین) - با
آقایان مباحثه نکنید، اظهارات خودتان
را بفرمائید
ضیاءالواعظین - بسیار خوب. آن
وقت وزارت مالیه یک عایداتی دارد، نظمی

یک عایداتی دارد
وزارت عدلیه یک عایداتی دارد وقتی
که عایدات نظمی و عدلیه را ما بصورت جزئی
نگاه کنیم میبینیم از یک جاهائی تحصیل
شده است که قسمت عیدماش در نتیجه همین
کشمکشها و اختلافات است
هواند وزات پست و تلگراف
در اینجا وزارت مالیه هیچ نظر نکرده
است که اگر در راههای ایران یک خرده
دقتی بکنند عایدی پستی آن به مراتب بیشتر
بلکه دو برابر میشود، اینجا در بودجه
در بست چهار دیواری مانگامه میکنیم می بینیم
نوشته است عوائد پست اینقدر
آیا هیچ پیش بینی شده است
برای اینکه عایدات پست زیاد بشود
چه کار بکنند که عایدات تلگراف زیاد
شود
بودجه تفصیلی هم که دست ما نیست
عوائد مدارس وزارت معارف و عوائد
تومانی دولت پست و خرواری یک
قران
بنده میخواستم عرض کنم که اینجا
وزارت معارف را از یک عائدی منظم و
ثابت محروم کرده اند محل و ممر این بخارج
هم هیچ معلوم نیست از کجا باید تأدی
شود و از کجا باید تحصیل شود و بمعارف
داده شود
امسال در ستون خرج نوشته اند
برای وزارت معارف - این قدر سال دیگر
اگر بخارج دیگری برایشان پیدا شد
آنوقت از محل وزارت معارف آن بخارج
را میدهند و معلوم نیست وزارت معلوم چه
صورتی دارد
برای وزارت معارف در مجلس چهارم
یک خدمت اساسی مهم کرده بودند و یک
مبلغ عایدی لایتنبری برای وزارت معارف
درست کرده بودند
من در این بودجه میبینم آن مبلغ
از وزارت معارف گرفته نده است
عایدی وزارت قواید عامه و اکتید
دوفر و مؤسسات رهنی و راه شوسه و راه
آهن و معادن و سیاه جنگرها
برای تمام این قسمت ها و همان راه
آهنی که نمیدانم بچه صورت افتاده و همان
کشتیهای بخاری دریاچه ارومیه که دولت
با آن ترتیب خرید و مجلس هم عالمأ عمداً
با وقت کامل صلاح دانست اینکار بشود
همینقدر که حالا بدست وزارت قواید عامه
رسید تا صد سال دیگر هم نه در بندرش
نه در کشتیهای آن تعمیراتی نخواهد شد
و همانطور که آقای کارزونی فرمودند در
در باب فارس کشتیهای ایران بهمان حال
که طلسم شده بهمان حال است و هیچ
نظریه در حفظ و تعمیر آنها در جزمه بودجه
ندیدیم و هیچ ندیدیم که بگویند ما چکار کنیم
که بگویم راه آهن بیشتر بشود
بعد از آن بخارج وزارت جنگ و
مالیه و بخارج انتقاعی فلان قدر بخارج

و جبهای راه آهنش است و هر کسی یک
وجب بیشتر راه آهن دارد سعادت مند تر
است
در همچو دنیائی، وزارت قواید عامه
ما هیچ فکر نکرده است که یک کاری
بکند که یک وجب، راه آهن را زیاد کند
یا اینرا که هست حفظ کنیم
در محمود آباد مازندران آقای شیخ -
العراقین زاده میدانند یک راه آهنهای
خرابی افتاده است و تمام زیر خاک پوشیده
است آنها را باید جمع کرد و شاید صد تومان
خرج داشته باشد
اینجا در بودجه وزارت قواید عامه
هیچ همچو خرجی منظور نشده است
بودجه تفصیلی هم دست ما نیست که
میبینیم منظور شده است یا نه عایدات تلفن -
عایدات متفرقه
باز هم در مقابل عایدات متفرقه نوشته
است سی و شش هزار و سیصد و بیست و چهار
تومان
این مبلغ عایدات متفرقه وزارت قواید
عامه است
در مجلس هم یک عوائدی از مطبعه
و باغ برای دولت درست شده است و
امیدوارم وسعت آن زیاد شود
فملا عایدات باغ و مطبعه چون و
شش هزار و هفتصد و پنجاه تومان است
انشاءالله در بودجه سال آتی چهارصد
هزار تومان بشود
یک قسمت دیگر هم عایدات
شر کتهای ایران است
حالا اینجا قضاوت مجلس و عواطف
واحساسات مجلس لازم است که آیا مجلس
اجازه میدهد این پولها را بترتیبی که
ذکر شد وصول کنیم و این خرج ها را
بکنیم
شیخ العراقین زاده - وصول
کرده اند
امیر احتشام - خرج هم شده است
ضیاءالواعظین - خیلی خوب
وصول کرده اند و بقول اقا خرج هم شده
است
حالا وزارت مالیه این عوائد را
بطور محکم و منظم سند خرجش را می-
خواهد در دست داشته باشد که از تصویب
مجلس گذشته است
در قسمت بخارج در اول بخارج در باب
و کابینه سلطنتی و والا حضرت اقدس ولیعهد
و اعلی حضرت محمد علی میرزا و مجلس
شورای ملی و مقرری ریاست وزراء و کابینه
ریاست وزراء
اینجا هم سه چهار سطر در ملاحظات
نوشته اند که آقای رئیس الوزراء حقوق
ریاست وزرائی نگرفته اند، خیلی منقول
هستیم
بعد از آن بخارج وزارت جنگ و
مالیه و بخارج انتقاعی فلان قدر بخارج

وزارت عدلیه فلان قدر
آقای وزیر عدلیه اعتبار وزارتخانه
شما عبارت از ششصد و بیست هزار تومان
است
امروز شما یک آدم خوب و با عاطفه
هستید ولی اگر بعد از شما یک آدم بی
عاطفه آمد جای شما شست معنائش اینست
که این اعتبار را هر کاری میخواید بکنند
یک نفر از نمایندگان - اینطور
نیست
ضیاءالواعظین - چطور نیست
و بچه دلیل اینطور نیست شما یک قانون
بوده بدست اومیدید که بودجه تفصیلیش
نیست آنوقت دیگر بسته باصاف خود او
است
بخارج وزارت جنگ و بخارج وزارت
مالیه سه میلیون و هفتاد هزار تومان
بخارج انتقاعی پانصد و چهل هزار
تومان
این بودجه یک بودجه در بست است
یعنی چیزهایی است که حرفش به درزش
نمی رود و باید تصویب کنیم
بسیار خوب از وزارت جنگ شروع
میکنیم و میگویند حرف نزنید بودجه
تفصیلیش نیست
بودجه تفصیلی وزارت مالیه را می-
خواهیم میگویند صلاح در این بوده است
که در نتیجه چند ماه آمد و شد بودجه
وزارتخانه را امروند هم بمجلس
بخارج انتقاعی را نگاه میکنیم میبینیم
صورت جز آن نیست
بخارج انتقاعی یعنی چه؟ یعنی پول
صرف قنات فلان ده خالصه که خراب شده
شده است بنمایند که آباد شود و هر چه
بیشتر پول خرج نمایند در نتیجه درستون
عایدات عایدات زیادتر میشود
مثلا تهیه انبار برای جنس دولت
همان عایدات جنسی که دو میلیون و آنقدر
است اگر انبار داشته باشید این مبلغ
جنس در زیر باران میماند و خراب میشود
آنوقت حتماً آقای عماد السلطنه
مخیر کمیسیون بودجه بسا کمال
تأسف باید قلم بردارند و دو میلیون و
فلانقدر از عایدات بکاهند چون برای جنس
انبار تهیه نشده است و جنس زیر باران
مانده است
بخارج انتقاعی برای اینست که این
کشتیهای را که ما داریم حفظ کنند و تعمیر
نمایند برای اینست که راه آهن را آقای
وزیر قواید عامه حفظ کنند و تعمیر
نمایند
برای اینست که یک مخارجی را امروز
بکنیم و فردا در تومان برداریم
برای اینست که راجع بگاومیری که
در این مجلس از طرف آقایان اشگر و
رئیس التجار و دولت آبادی و داور و سایر

آقایان محترم طرح قانونی داده شده است يك فكري كنيم و آنچه من يادم می آید تا کنون بیست تا طرح قانونی راجع بمسئله گاو مری بمجلس پیشنهاد کرده اند و دولت هم يك قسمت املاك خاصه دارد که گاوهایش مرده است .

بنظر من میرسد صحبت کند . بابت استهلاك دیون دولتی دولت جهت مخارج غیر مترقبه دوستانه و پنجاه هزار تومان . من مخارج غیر مترقبه را نمی فهمم یعنی چه ؟

هر چه شما بگوئید من میگویم برای مخارج غیر مترقبه کم است هر اسمی هم پیدا کنید . بربری . فارسی . ترکی . اروپایی من میگویم این مبلغی را که شما این جا پیش بینی کرده اید کم است . از کجا که زیاد هم نباشد .

پس فردا اگر دولت ایران . اگر وزارت فوائد عامه . وزارت معارف . وزارت مالیه برخوردارند بيك مخارجی که مخارج حیاتی است برای مملکت .

یعنی همینطوری که من میخواهم زنده باشم باید نان داشته باشم دولت هم برخوردار باشد با اینکه امشب نان میخواهد آن نان هم دوستانه هزار تومان در اینجاشما تصویب کرده اید و هر کس دید تصویب کرد که خیر چهار صد هزار تومان است این اضافه را از کجا میدید .

يك نفر از نمایندگان - پیشنهاد میکند از چه محل میدهد ؟ جایش را بگوئید ؟

باز اسم فوا که میگذازند میوه ؟ اسم تره بازار میگذارند باغستان اسم نمیدر امیگذارند نلی گیر ؟ اینطور است ؟ آنوقت پیشنهاد میکنند بمجلس و مجلس هم تصویب خواهد کرد . بسیار خوب . با اینکه میگویند بیست آبرویان لازم است پیشنهاد آنرا هم می آورند بمجلس تقاضای فوریت هم شد و بقول آقای آقا سید یعقوب با سلام و صلوات هم تصویب شد .

آنوقت چکار کنیم ؟ يك نفر از نمایندگان - نداریم . ضیاءالواعظین - شما اگر شب نان نداشته باشید صبح نمیتوانید اینجا بیایید این يك قدم حیاتی است برای ایران .

دیروز در جامه ملل زنده بودم ، فردا هم باید زنده باشم . حالا دولت برخوردار باین مخارج حیاتی . من چطور تصویب کنم این اعتبار مخارج غیر مترقبه را که دوستانه و پنجاه و دوهزار تومان کافی است ؟

همانطوریکه نمیتوانم باور کنم که مخارج انتفاعی برای يك مملکت عریض و طویل و جسیمی مثل ایران که آدم از این جا میخواهد برود بوشهر باید سه ماه سفر

کند یا با انومیل برود باید هشت روز راه برود مخارج انتفاعیش یا نصد و چهل هزار تومان است .

يك نفر از نمایندگان - زیاد کنید . ضیاءالواعظین - از کجا زیاد کنیم من ایراد دارم باین بودجه از اینکه شاهد زیاد باشد .

مثلا اعتبار جهت هیئت اعزامی امریکائی در حدود سیسترات آنها همینطور اگر بخواهم در اینجا دومرتبه شروع کنم . از باء بسم الله خبر کمیسیون وقت آقایان ضایع میشود .

يك نفر از نمایندگان - ضایع هم کردید . ضیاءالواعظین - مقام ریاست هم میفرمایند باید مختصر تر کرد بسیار خوب من امروز عرضم را تمام میکنم یا اینکه صلاح و مقتضی میدانم این خبر برود بکمیسیون بودجه و در آنجا تبادل نظر بشود . و با هیئت دولت مذاکرات بشود وقتی که مذاکرات و تبادل نظر شد دوباره تصحیح شود و به مجلس شورای ملی بیاید و الا با همین رایرت من نمیتوانم عاطفه نمایندگان و یساکتی نیت نمایندگان چطور اقتضا میکند تصویب این بودجه را ؟ و اگر بنا شد در این بودجه صحبت شود باز هم من اجازه می خواهم و عریض خود را عرض خواهم کرد .

هخبر فرمایشات آقای ضیاءالواعظین خیلی مفصل بود ولی خوشبختانه جوابی را که بنده میدهم خیلی مختصر است و امیدوارم خودشانم قانع شوند و اگر هم در خارج از بنده یساکتی از اعضاء کمیسیون یا یساکتی از اشخاصی که مطلع بودند سؤال میفرمودند هیچ لازم نبود در اینجا قریب یکساعت خطابه سرائی برای اصنافی بشود که وجود خارجی ندارد و دولت هم از آنها مطالبه مالیات نمیکند .

فرمودند که در ابتدای مجلس دولت پیشنهادی کرد که مالیات این اصناف ملغی شود در عوض لواایع جدیدی پیش نهاد کردند . اینها دلیل بر این نیست که این اصناف فعلا وجود دارند و مالیات میدهند .

غالب این اصناف اصلا وجود خارجی ندارند و اصلا مالیات نمیدهند . ضیاءالواعظین - بنده مدلل میدارم که مالیات میدهند موافق صورتیکه دولت داده است . هخبر - بسیار خوب حالا بنده عریضم را که کردم باز نوبت بجناب عالی میرسد . ممکن است تشریف بیاورید اینجا و فرمایشاتتان را بکنید . اگر جناب عالی تشریف بیاورید ایضا و برای خوش آمد يك عده اصناف میفرمایند

مالیات نباید بدهند . بنده هم عقیده ام این است ولی اصنافی که هستند و کسب میکنند . همان کلام دوزی که فرمودید کلامه بانزده قران یا يك تومان میفرمودند مالیات هم باید بدهند زیرا اینها هم در مخارج مملکت سهیم و شریکند ولی صنف نعل چکر که از بین رفته است هیچ وقت نباید مالیات بدهند از شهم مطالبه نمیکند .

بعلاوه اگر حضرت تعالی میفرمایند که باید مالیات از اصناف گرفته نشود . بنده هم موافقم يك پیشنهادی تهیه کنید که اولاً بانزده فقر امضاء کنند بعد بفرستید بکمیسیون مبتکرات قابل توجه میشود آنوقت میآید در مجلس اگر رای دادند بعد از این کمیسیونهای بودجه هم مالیات اصناف را حذف میکنند و دیگر در ستون عایدات مالیات صنف را نخواهند نوشت و الا تا يك اصنافی کسب می کنند و از صنف خودشان منافع ببرند يك منافع مختصر هم باید بدولت بدهند .

حضرت تعالی يك اسامی خواندید اما مبالغش را نخواندید تا بفهمید که اصلا صنف آهنگر چه قدر مالیات میدهد و این مبلغ که تقسیم شود بتمام ایالات و ولایات ایران بهر نفری چقدر برسد . اینجا قریب یکساعت اظهار ملامت برای اصناف فرمودید بنده هم باشما شریک هستم .

ولی باید فهمید کدام اصناف هستند و آنها را چگونه هستند میدهند چه میدهند يك قسمت فرمودید مالیات مستقیم گرفته می شود .

خیر آقا از زارع بهیچوجه من الوجوه نمی شود و تمام امالکین میدهند از بلوچستان بگیرند تا انزلی که برویم از يك نفر از زارع مالیات گرفته نمیشود و امیدوارم که هیچ وقت هم مجلس شورای ملی تصویب نکند که زارع مالیات بدهد . آقا فرمودید که يك عده اصنافی در خیابانها هستند که اینها از مالیات معاف هستند و يك عده دیگر در گوشه زوایای شهر هستند آنها يك مالیاتی میدهند .

هیچ هم چیزی نیست مالیات صنعتی را اگر اطلاع ندارید اینطور است که در سال اصناف جمع میشوند اگر يك نفر از یا در رفته است و نمیتواند مالیات بدهد او را از دادن مالیات معاف میکنند و يك نفر جدیدی که بجای او آمده از اومی گیرند این قرار داد مخصوصی است بین صنف یعنی اصناف ترتیب کسبشان طوری است که حتی نمی توانند در ذرع افاضله دود کان داشته باشند بلکه باید يك کان باشد

اینها يك ترتیبان صنفی است آیا ممکن است صنف کلاه دوز زربار برود که آن کسیکه در بازار کلاه دوز است مالیات بدهد اما آن کسیکه

در خیابان است از دادن مالیات معاف باشند ؟ اینکه معقول نیست . خوب است تحقیق بفرمائید . اصناف همه در مالیات دادن شریکند و همان طور که عرض کردم هر سال هم رئیس صنف اصناف را جمع می کند و رسیدگی می کند اگر فرضاً يك نفر برایشان شده و دیگری بجای او آمده از او مالیات نمیگیرند و از آن کسیکه بجای او آمده مالیات می گیرند .

راجع به مالیات غیر مستقیم هم فرمودند مالیات میوه و ذغال و تره بار مستقیم و غیر مستقیم در هر دولت هست - این صورتیکه با قاع داده اند این صورت قدیم است بلی در وقتی که این عوائد جدید یعنی مالیاتهای مشروطه برقرار نبود جزو مالیاتهای سابق بود و به عنوان مقاطعه همه ساله از هر محلی مبلغی دریافت میشد ولی بعد از اینکه مالیات غیر مستقیم مشروطه وضع شد

یکجا شد و حالا دیگر دو جا نمیگیرند که در مالیات مستقیم یکجا از ذغال مالیات بگیرند و در غیر مستقیم هم يك مالیات بگیرند همچو چیزی نیست .

اما اینکه فرمودید حمل و نقل روغن و عسور گوسفند ایهم نیست فقط عسوری که فرمودید هست آنهم در بعضی نقاط ایران شاید یکی دو جا از آن جمله نی ریزی است که فرمودید از کثیرا و غز بادام و بعضی چیز های دیگر مالیات میگیرند

دیگر فرمودید مالیات اجاره تجارت این را بنده که تا حالا نشنیده بودم با اینکه خودم متصدی امور مالیاتی بودم و در چند نقطه هم که مأموریت داشتم و عمل کرده ام ندیده ام و نه شنیده ام و تصور نمیکنم چنین مالیاتی اصلا در ایران وجود داشته باشد اما راجع بقوائد عدلیه که فرمودید این يك عوائد تازه نیست

همان عشریه است . این عشریه را که عدلیه در یافت میکنند بعنوان عوائد در يك جا جمع شده و بصرف خودش میرسد . دیگر فرمودید مخارج غیر مترقبه را . نمیفهمم . بنده هم عرض میکنم .

نمیفهمم دولت و مجلس هم نمیتوانند بفهمند . کمیسیون هم نمیتواند که میفهمیم يك قلم ثابت میباشیم که اینقدر برای فلان مصرف . مخارج غیر مترقبه اسمش روی خودش است

باید مخارج غیر مترقبه پیش بیاید تا تا مقدارش معلوم شود آنوقت بنده و جناب عالی هم بفهمیم و اگر این لایحه را ملاحظه می - فرمودید يك ماده مخصوص دارد که مخصوصاً قید شده است (هر گونه پرداختی از اعتبار مخارج غیر مترقبه دولت منوط با اجازه کتبی هیئت وزراء خواهد بود و از این اعتبار هیچ وجه من الوجوه حقوق و مستمریات و اضافات حقوق تأدیبه نخواهد شد) ماه بعد آقای وزیر

مالیه صورتی میآورند که مخارج غیر مترقبه برج گذشته مان این اندازه بوده است . اینجا هم طبع و توضیح میشود بین آقایان نمایندگان مثل اینکه سابقاً هم بنظر بوده است . آن وقت اگر آقایان اعتراض دارند از هیئت دولت سؤال میکنند که این قلم را که اینجا نوشته اند بفلان مصرف رسیده است چیست ؟ البته بشما توضیح میدهند و قانع میشدید

حالا آقای ضیاءالواعظین میفرمایند که چرا مبلغ دوستانه و فلان قدر نوشته اند شاید زیاد تر بنده عرض میکنم اگر زیاد تر شد پیشنهاد جدیدی تهیه میکنند و بمجلس تقدیم میکنند ماهم بس از مطالبه تصویب میکنیم . . .

ضیاءالواعظین - پولش را از کجا میآورید ؟

هخبر - وقتیکه آن لایحه را آوردند بنده مجلس را بشما عرض میکنم .

یکی هم راجع بمخارج انتفاعی فرمودید که این مخارج انتفاعی مربوط بوزارت خانه .

های دیگر است هیچ هم چیزی نیست مربوط بخود وزارت مالیه است مخارج انتفاعی وزارت مالیه چیست مثلا زراعت یکجائی را سن زده است یا عیب دیگری پیدا کرده است این را میخواهند عوض نمایند صدخر وار میدهند و صد تا دو تومان هم میدهند آنوقت صدخر وار جنس خوب میگیرند

مثلا در دهات خالصه یا اینکه قنوات خالصه جات دواتی مغروبه شده است آنها را تعمیر مینمایند و از این قبیل مخارج ضرابخانه و سایر چیزهای دیگری که دولت مجبور است این پولها را بدهد بدهم آن پول خود را بر میدارد شاید هم يك اندازه زیاد تر هایدی بردارد و شاید هم متساوی بشود شاید هم کمتر شود و مالیات جنسی هم کمتر شود و مالیات جنسی هم که فرمودید این مالیات جنسی مربوط به املاك خالصه نیست

این مالیات جنسی است که از املاك اربابی و املاك انتقالی که منتقل ب مردم میشود وصول میشود و مربوط به چیز دیگری نیست . دیگر بنده بهیچیز نظرم نیست که جواب عرض کنم رئیس - چون نزدیک ظهر است اجازه میفرمائید جلسه ختم شود ؟

جمعی از نمایندگان - صحیح است . رئیس - جلسه آتی روز یکشنبه دستور هم بوجه مملکتی (مجلس موقع ظهر ختم شد) رئیس مجلس شورای ملی مؤتمن الملك منشی - علی اقبال المملك منشی - معظم السلطان